****

**عنوان:**

**زندگینامه دکتر علی شریعتی**

**نام و نام خانوادگی:**

فهرست مطالب

[مقدمه 1](#_Toc449190903)

[زندگی 1](#_Toc449190904)

[کودکی 1](#_Toc449190905)

[نوجوانی و جوانی 2](#_Toc449190906)

[تحصیلات دانشگاهی 2](#_Toc449190907)

[زندگی مخفیانه 3](#_Toc449190908)

[مرگ 3](#_Toc449190909)

[فعالیت‌های سیاسی 3](#_Toc449190910)

[اندیشه‌ها 5](#_Toc449190911)

[تقابل شریعتی و روحانیت 5](#_Toc449190912)

[آثار و کتاب‌ها 10](#_Toc449190913)

[وصیت‌نامه شریعتی 10](#_Toc449190914)

[آثار درباره علی شریعتی 12](#_Toc449190915)

[منابع 14](#_Toc449190916)

#

# مقدمه

علی شریعتی مزینانی، مشهور به دکتر علی شریعتی (۲ آذر ۱۳۱۲، روستای کاهک، سبزوار – ۲۹ خرداد ۱۳۵۶، ساوت‌همپتون، انگلیس) نویسنده، جامعه‌شناس، تاریخ‌شناس، پژوهشگر دینی اهل ایران، از مبارزان و فعالان مذهبی و سیاسی و از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران بود، که در سن چهل و چهارسالگی به‌صورت مشکوکی در انگلستان درگذشت، و هم‌اکنون آرامگاه وی در مکانی نزد مقبره زینب کبری در دمشق سوریه است.

شریعتی علاوه بر شهرت زیادش برای سهم داشتن در انقلاب ایران، دلیل دیگر شهرتش کارنامه فعالیت‌های اوست که برای احیای مذهب و سنت در جامعه و بیدادگری نسبت به سلطنت وقت داشته است. شریعتی را در ادبیات معاصر معلم شهید می‌نامند. و از زمان انقلاب تاکنون یادبودهای زیادی یه یاد او برگزار و اجرا کرده‌اند. و از آن زمان نقدها و تجلیل‌های زیادی پیرامون آثار، آراء و تاثیراتی که او بر چند دهۀ معاصر ایران گذاشته وجود دارد.

# زندگی

# کودکی

علی شریعتی در دوم آذر سال ۱۳۱۲ در روستای کاهک در کویر مزینان در نزدیکی سبزوار زاده شد. پدر پدربزرگش، ملا قربانعلی معروف به آخوند حکیم، مردی فیلسوف و فقیه بود که در مدارس قدیم بخارا و مشهد و سبزوار تحصیل کرده و از شاگردان برگزیده حاج ملا هادی سبزواری محسوب می‌شد. ملاقربانعلی چهار فرزند به نام‌های محمود، احمد، حسن و حسین داشت. محمود که به هنگام مرگ پدر، به تحصیل علوم قدیمه مشغول بود، با اصرار مردم مزینان به آنجا آمد تا پیشنماز مسجد و مدرس حوزه علمیه باشد. او تا پایان عمر خود در مزینان ماند و چهار فرزند به نام‌های معصومه، قربانعلی، محمدتقی و آقامیرزا محمد از خود به ‌جا گذاشت. محمد تقی شریعتی در سال ۱۳۱۱ با دختری روستایی از اهالی کاهک به نام زهرا امینی ازدواج کرد و اولین فرزند آنها، علی شریعتی بود.

شریعتی تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان ابن یمین در مشهد در سال ۱۳۱۹ آغاز کرد، اما به دلیل بحرانی شدن اوضاع کشور در سال ۱۳۲۰، محمدتقی شریعتی مجبور شد خانواده‌اش را به ده بفرستد و بنابراین وقفه کوتاهی در تحصیلات شریعتی ایجاد شد. پس از آن، شریعتی به همان دبستان برگشت و تحصیل را ادامه داد.

# نوجوانی و جوانی

شریعتی در سال ۱۳۲۵ وارد دبیرستان فردوسی مشهد شد. او پس از اتمام سیکل اول دبیرستان در سن شانزده سالگی، با هدف ادامه تحصیل وارد دانشسرای مقدماتی شد. البته شریعتی ترجیح می‌داد به هر طریق تحصیلات عالیه را بدون وقفه ادامه دهد، اما پدرش تأکید داشت که وارد دانشسرا شود که شاید علت اصلی آن وضع اقتصادی خانواده بود. در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۳۷ با پوران شریعت‌رضوی همکلاسیش ازدواج کرد.

# تحصیلات دانشگاهی

شریعتی تحصیلات دانشگاهی خود را در مشهد گذراند و تحصیلات عالی خود را در مقطع دکتری در سال ۱۳۴۱ در دانشگاه سوربن فرانسه و در رشته ادبیات ادامه داد. در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت و در مرز دستگیر شد. حکم دستگیری از سوی ساواک بود و متعلق به ۲ سال پیش یعنی در هنگام خروج از ایران که به همان دلیل معلق مانده بود و در عین حال لازم‌الاجرا بود. بعد از بازداشت به زندان قزل‌قلعه در تهران منتقل شد. اوایل شهریور همان سال بعد از آزادی به مشهد برگشت.

# زندگی مخفیانه

شریعتی از آبان ماه ۱۳۵۱ تا تیر ماه ۱۳۵۲ به زندگی مخفی خود روی آورد. ساواک به دنبال او بود و از تعطیلی حسینیه ارشاد به بعد، متن سخنرانی‌های شریعتی با اسم مستعار به چاپ می‌رسید. در تیر ماه ۱۳۵۲، علی شریعتی در نیمه شب به خانه‌اش مراجعه کرد و دو روز بعد به شهربانی مراجعه کرد و خودش را معرفی کرد. بعد از آن روز به مدت ۱۸ ماه به انفرادی رفت.

# مرگ

وی در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در حالیکه سه هفته از سفرش به انگلستان می‌گذشت، در ساوت‌همپتون به شکل مشکوکی درگذشت. دلیل رسمی مرگ وی انسداد شرائین و نرسیدن خون به قلب اعلام شد؛ هرچند مرگ وی به دلیل نداشتن سابقۀ بیماری قلبی، عدم کالبدشکافی و اعلام نتیجه سریع و خبرداشتن سفارت ایران در لندن از مرگ وی قبل از اعلام رسمی خبر مشکوک بود. شریعتی وصیت کرده بود که وی را در حسینیۀ ارشاد دفن کنند، ولی هم‌اکنون در قبرستانی کنار آرامگاه زینب کبری، در شهر دمشق نگهداری می‌شود و خانواده‌اش هزینه نگهداری جسد وی را متقبل شدند.

# فعالیت‌های سیاسی

در مشهد محمد تقی شریعتی پیرو نهضت خداپرستان سوسیالیست بود و به دنبال سفر محمد نخشب و حسین راضی و تشکیل حوزه حزب ایران و سپس جمعیت آزادی مردم ایران که در حقیقت ادامه دهنده راه و اندیشه نهضت خداپرستان سوسیالیست محسوب می‌شدند، علی شریعتی نیز به نهضت خداپرستان سوسیالیست پیوست و همان‌جا نخستین آموزه‌های اسلام انتقادی‌اش را کسب کرد. او تحت تاثیر این آموزه‌ها کتاب ابوذر خداپرست سوسیالیست نوشته جوده السحار را در سال ۱۳۳۴ ترجمه و منتشر ساخت . در جریان وقایع ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ اولین بازداشت او رخ داد و این اولین رویارویی او و نظام شاهنشاهی بود. او تحت تاثیر سنت‌های خانواده‌اش، بویژه افکار نوگرایانه پدرش محمدتقی شریعتی، قرار گرفت. پدربزرگش آخوند حکیم و عموی پدرش عادل نیشابوری از دانشمندان فقه، فلسفه و ادب به‌شمار می‌آمدند. پدرش کانون نشر حقایق اسلامی مشهد را بنیان نهاد و از مبتکرین و آغازگران جنبش نوین اسلامی به‌حساب می‌آمد.

شریعتی از پیرامون به مرکز مبارزه وارد شد و به شاخه مشهد نهضت مقاومت ملی به رهبری سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان و یدالله سحابی پیوست. علی شریعتی یکی از سخنگویان و فعالان آتشین این نهضت علیه سلطه و استثمار غرب در ایران بود. فعالیت‌های مصرانه‌اش باعث دستگیری او در سال ۱۳۳۶ و انتقال فوری‌اش به زندان قزل‌قلعه در تهران به مدت هشت ماه شد.

پس از قبول شدن در بورس تحصیلی، علی شریعتی برای مدتی دست از فعالیت‌های سیاسی کشید و برای ادامه تحصیلات عالیه به فرانسه رفت. وی اندکی پس از رسیدن به پاریس به گروه فعالان ایرانی نظیر ابراهیم یزدی، ابوالحسن بنی‌صدر، صادق قطب‌زاده و مصطفی چمران پیوست و در سال۱۳۴۱ سازمان نهضت آزادی ایران (بخش خارج از کشور) بنیان گذاشته شد. در جریان کنگره جبهه ملی ایران در اروپا در ویس‌بادن (جمهوری آلمان فدرال) در اوت ۱۹۶۲ با نظر حسین راضی، شریعتی با توجه به قدرت فکری و قلمی‌اش، به عنوان سردبیر روزنامه فارسی‌زبان ایران آزاد (ارگان جبهه ملی ایران خارج از کشور در اروپا) انتخاب شد. اولین شماره این نشریه پس از سردبیری شریعتی در ۱۵ نوامبر ۱۹۶۲ منتشر گردید. این نشریه دیدگاه‌های روشنفکران ایرانی خارج و نیز واقعیت‌های مبارزات مردم ایران را منعکس می‌کرد و ارگان رسمی جبهه ملی ایران در اورپا محسوب می‌گردید. قبل از آن پرویز ورجاوند سردبیری این نشریه را بر عهده داشت.

# اندیشه‌ها

شریعتی یکی از متفکران مسلمان بود و در عین حال، رویکردی نقادانه نسبت به برخی از باورهای مذهبی داشت. او به‌طور خاص، تشیع صفوی را مظهر سنت مسخ شده می‌داند و آن را توام با اسارت‌پذیری، خرافه، تقلید و جبرگرایی معرفی می‌کرد.

وی همچنین از نگاه سطحی به مدرنیته نیز انتقاد می‌کرد و معتقد بود که راه پیشرفت و ترقی ملت‌های شرقی، متفاوت از راهی است که غرب پیموده‌است. البته استفاده آگاهانه از تجربیات مدرنیته در غرب، مورد پذیرش شریعتی قرار داشت. شریعتی، محمدرضا حکیمی را به عنوان وصی خود جهت هرگونه دخل و تصرف در آثارش انتخاب کرده‌است.

# تقابل شریعتی و روحانیت

شریعتی بارها تاکید می‌کرد که در اسلام به جای روحانی، عالم دینی وجود دارد، وی اعتقاد داشت که روحانی چیزی مقتبس از تعالیم مسیحی قرون وسطی بوده که با ظهور سلطنت صفوی در قبای ملا و آخوند بر اسلام تحمیل شده است. لذا همچنانکه دین مسیحی قرون وسطی را یکی از علل بی‌اعتمادسازی دین در قرون حاضر می‌دانست. روحانیت اسلامی را یکسره مردود می‌دانست و عنوان عالم دینی را شایسته نشاندن بر جایگاه روحانیت خرافی کنونی می‌دانست. وی در یکی از نوشته‌هایش چنین مینویسد:

من غیر از اینکه اساساً اصطلاح «روحانیت» را یک اصطلاح اسلامی و شیعی نمی‌دانم و معتقدم این اصطلاح اخیراً از مسیحیت گرفته شده و در متون اسلامی ما چنین کلمه‌ای بدین معنی نیامده است، بلکه در اسلام بجای روحانی و جسمانی، ما عالم داریم و متعلم و بنابراین باید بجای روحانی گفت «عالم اسلامی». و اما راجع به علمای اسلامی، این را می‌خواهم ادعا کنم و ده‌ها قرینه و نمونه عینی بر اثبات آن دارم. که از میان نویسندگان و سخنرانان و حتی علما و فضلای اسلامی معاصر، هیچکس (البته در حد امکانات و نوع کار و کاراکتر خودش) به اندازه من افتخار دفاع جدی و موثر عملی و فکری از این جامعه گرانقدری که امید بزرگ و سرمایه عزیز ما است، نداشته است، دلیل:

۱- در کتاب «انتظار» طلبه را به نقل از ونسان مونتی، پرولتر فکری خوانده‌ام، این مجاهدان پاکباز راه علم و ایمان که با پولی که از مخارج یک مرغ آمریکایی است، جوانی را فدای آموزش دین می‌کنند و در زمانی که هر دانشجویی رشته تحصیلی‌اش را براساس درآمد آینده‌اش انتخاب می‌کند، وی رشته‌ای را برگزیده‌ است که دوران طلبگی‌اش اینچنین به زهدی باور نکردنی می‌گذرد.

۲- دریک کنفرانس عمومی دانشجوئی در حسینیه ارشاد خطاب به دانشجویان گفتم که من، برای آینده این نهضت فکری، برای بیداری مردم و احیای روح حقیقی اسلام و برانگیختن روح معترض و عدالتخواه شیعه علوی و رستگاری جامعه، به طلاب بیشتر از شما امید بسته‌ام.

همچنین شریعتی در کتاب اجتهاد و نظریه انقلاب دائمی در مقایسه‌ای بین روشنفکر و روحانی نکته‌ای را متذکر می‌شود که چه بسیار روشنفکرانی که به مملکت خویش خیانت کرده‌اند وزیر قراردادهای استعماری را امضا کرده‌اند ولی هیچ جا نمی‌توان حتی یک امضای عالم روحانی را در چنین قراردادهای خائنانه‌ای دید.

علاوه برآن در مقایسه‌ای بین سیستم حوزه و دانشگاه به دلایل بسیار زیادی همچون اقامت محصل، انتخاب درس، بورسیه تحصیلی حوزه و... روش کار حوزه را بسیار مترقی تر نسبت به دانشگاه بیان می‌کند.

در بحث دموکراسی و سیستم‌های مدیریت نیز در این کتاب شریعتی روش انتخاب مستقیم توسط مردم به روش دموکراسی مرسوم و فعلی را زیر سئوال می‌برد و روش غیر مستقیم برای انتخاب راس هرم حکومت را توسط نخبگان برگزیده مردم مناسب تر می‌داند.

مهدی بازرگان درباره ریشه‌های اختلاف شریعتی و روحانیت می‌نویسد:

روحانیت در همۀ ادیان و ادوار به دو دلیل با امثال دکتر شریعتی‌ها ناسازگاری دارد. یکی اینکه تجدد و نوآوری را منافی با اصالت و استحکام دین دانسته، می‌ترسند در مبانی و معتقدات مردم که تا حدود زیادی بر تشریفات و تحجر و سنت‌ها و افکار کهن تکیه دارد، تزلزل حاصل شود و دلیل مهم‌ترشان این است که اصلاً نمی‌خواهند هیچ فردی که خارج از صنف و کسوت مقدس است وارد قلمروی واسطگی بین خدا و خلق خدا شود.

این رویه شریعتی منجر به موضع‌گیری روحانیون علیه او شد. مرتضی انصاری قمی خواستار حبس و اعدام شریعتی شد. او به دولت، مردم و روحانیون هشدار داد: «در یک قرن اخیر، اسلام و تشیع هیچگاه دشمنی خطرناکتر و گستاخ‌تر از علی شریعتی به خود ندیده است». ناصر مکارم شیرازی با چاپ مقاله‌ای در مجله مکتب اسلام و با عنوان «آیا شورا مبنای حکومت اسلامی است؟» نظر شریعتی را نادرست دانسته و استدلال کرده بود که شیعه به انتخاب خلیفه بر اساس رای شور معتقد نیست و خلیفه را منتخب خدا و پیامبر می‌داند. تعدادی از طلاب قم نزد شهاب‌الدین نجفی مرعشی و شریعتمداری مراجعه و اظهار داشته‌اند که علی شریعتی در یکی از سخنرانی‌هایش در حسینیه ارشاد منکر امام زمان شده و گفته‌است دعای ندبه سند معتبر ندارد و مرعشی گفت من دکتر شریعتی را نمی‌شناسم ولی اگر او چنین حرفی گفته باشد کافر است. با انتشار این فتوای رسمی، حسینیه ارشاد در آبان ۱۳۵۱ تعطیل گردید. پس از تعطیلی ارشاد، فتاوی مذهبی علیه حسینیه ارشاد و شریعتی به شدت گسترش یافت. شریعتی نهایتاً به‌ دلیل دستگیری پدرش، در تیرماه ۱۳۵۲ خود را تسلیم کرد و زندانی شد. پس از دستگیری وی محمد بهشتی، سید هادی خامنه‌ای و چند نفر از طلاب قم در منزل مرتضی مطهری حضور داشتند که مطهری ضمن انتقاد از شریعتی گفت صرف نظر از افکار نادرست وی، ضربه جبران ناپذیری بر هماهنگی روحانیت و طبقه تحصیلکرده زد و آنها را نسبت به هم سخت بدبین نمود و احساسات جمعی از جوانان خام را علیه روحانیون برانگیخت. ابوالحسن قزوینی در پاسخ به استفتایی نوشت: «هرچند مدتی است کسالت دارم و قادر بر مطالعه نیستم، ولی نظر به مطالعه اجمالی، کتب مذکور مطابق با مذهب تشیع نمی‌باشد و انکار خاتمیت و انکار ضروری دین اسلام است.» علامه سید محمدحسین طباطبایی در پاسخ به استفتایی نوشت: «این‌ جانب نوشته‌های دکتر شریعتی را در خصوص اسلام شناسی هرگز تصدیق نکرده، نوع مطالب ایشان اشتباه و طبق مدارک دینی اسلامی غیرقابل قبول است.» سید کاظم مرعشی هم در پاسخ به استفتایی دیگر خرید و فروش کتب شریعتی را حرام دانست. همچنین سید علی اصفهانی اعلام کرد: «نوشتجات نامبرده مشتمل بر اباطیل گوناگون است».

همچنین شریعتی در پایان عمر خود با اذعان به بعضی از اشتباهات تخصصی در حوزه اسلام شناسی از مرتضی مطهری خواست که نوشته‌های او را در این رابطه اصلاح نماید که مرتضی مطهری در پاسخ این درخواست شریعتی جواب داد که: «اگر بخواهیم کتابهایی را که درمورد اسلام‌شناسی و مباحث تخصصی اسلامی است اصلاح کنیم چیزی از آنها باقی نخواهد ماند، البته قدرت و تسلط شریعتی در جامعه شناسی و تاریخ و نیازهایی مبتنی براین علم بر کسی پوشیده نیست و انتقاد جدی هم در این مورد متوجه او نبوده و نمی‌باشد».

صدور فتواها علیه شریعتی تا پس از مرگ وی ادامه داشت و در این زمان آقایان خویی، مرعشی نجفی، شاهرودی، عبدالله شیرازی، مالک حسینی، علی نمازی و... فتاوی مشابهی علیه شریعتی صادر کردند. در این زمان تلاش‌هایی هم شد که فتوایی له یا علیه شریعتی از روح‌الله خمینی صادر شود لیکن وی در این‌باره همواره سکوت کرد. محمد یزدی در خاطرات خود از جلسه مدرسین قم پیش از انقلاب برای تصمیم‌گیری درباره شریعتی می‌نویسد:

جلسه مزبور در منزل نوری همدانی تشکیل شده بود و بحث به مرز کفر و ایمان رسیده بود. پس از شور و مشورت، آقایان به این نتیجه رسیدند که اعلام کفر در مورد شریعتی بازتاب خوبی ندارد و در کل به مصلحت اسلام و مسلمین نیست... آقای مصباح یزدی در آن ماجرا قائل به دیدگاه خاصی بودند و بقیه اعضای جامعه در برابر ایشان قرار داشتند.

به این ترتیب بخشی از روحانیون نزدیک به خمینی نیز که بعدها وارد حکومت جمهوری اسلامی شدند، تنها به دلیل مصلحت از اعلام کفر شریعتی خودداری کرده بودند. مرتضی مطهری در نامه‌ای در آستانۀ انقلاب اسلامی به سید روح‌الله خمینی می‌نویسد:

کوچک‌ترین گناه این مرد بدنام کردن روحانیت است. او همکاری روحانیت با دستگاه‌های ظلم و جور علیه توده مردم را به صورت یک اصل کلی اجتماعی درآورد و مدعی شد که ملک و مالک و ملا و به تعبیر دیگر تیغ و طلا و تسبیح همیشه در کنار هم بوده و یک مقصد داشته‌اند.

شریعتی جور دیگر به روحانیت نگاه می‌کرد و معتقد بود روحانیت کارش متفاوت با سخنرانی و وعظ است. طرز فکر و برداشت آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای نسبت به شریعتی با بسیاری از علمای هم عصر وی متفاوت بود. وی در کتاب خود به نام فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی، کتاب سلمان پاک اثر مستشرق فرانسوی پروفسور لویی ماسینیون، ترجمه علی شریعتی را نقد نمود. در سال ۱۳۵۱، میرزا خلیل کمره‌ای نسخه‌ای از کتاب فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی را توسط فرزندش امیرحسین برای شریعتی ارسال داشت و ضمن تشکر از تحقیقات علمی شریعتی درباره تاریخ ادیان و اسلام، از او خواست که به ۱۹ نکته علمی در ترجمه کتاب سلمان پاک مراجعه و آنها را مورد بازنگری و تحقیق بیشتر قرار دهد.

# آثار و کتاب‌ها

شریعتی آثار عمده‌ای در زمینه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی دارد. اکثر کتاب‌های شریعتی جمع‌آوری سخنرانی‌های تحریریافته او در حسینیه ارشاد، دانشگاه‌ها و یا مجموعه‌ای از مقالات و نوشته‌های پراکنده او هستند که توسط مرکز نشر آثار دکتر شریعتی به صورت مجموعه آثار در سی و شش جلد پس از مرگ وی به چاپ رسیده است.

# وصیت‌نامه شریعتی

علی شریعتی در آذر ۱۳۵۵، شش ماه قبل از مرگش وصیت‌نامه‌ای نوشته و به دست محمدرضا حکیمی سپرده است. خانواده شریعتی پس از اطلاع از این نامه، از محمدرضا حکیمی خواستند که او نوشته‌ها و گفته‌های شریعتی را بنا به وصیتش بازبینی کند اما حکیمی چنین نکرد و اصل نامه را نیز به خانواده شریعتی بازگرداند.

در این فهرست کتاب‌ها بر اساس ترتیب مجموعه آثار قرار دارند:

* با مخاطب‌های آشنا
* خودسازی انقلابی
* ابوذر
* بازگشت
* ما و اقبال
* تحلیلی از مناسک حج
* شیعه
* نیایش
* تشیع علوی و تشیع صفوی
* جهت‌گیری طبقاتی در اسلام
* تاریخ تمدن (۲جلد)
* هبوط در کویر
* تاریخ و شناخت ادیان (۲جلد)
* اسلام‌شناسی (درس‌های حسینۀ ارشاد) (۳جلد)
* حسین وارث آدم
* چه باید کرد؟
* زن
* مذهب علیه مذهب
* جهان‌بینی و ایدئولوژی
* انسان
* انسان بی‌خود
* علی حقیقتی بر گونه اساطیر
* بازشناسی هویت ایرانی اسلامی
* روش شناخت اسلام
* میعاد با ابراهیم
* اسلام‌شناسی (سخنرانی‌های دانشگاه مشهد)
* ویژگی‌های قرون جدید
* هنر
* گفتگوهای تنهایی (دو جلد)
* نامه‌ها
* آثار گونه‌گون (دو جلد)
* آثار جوانی (دو جلد)

# آثار درباره علی شریعتی

* مسلمانی در جستجوی ناکجاآباد، علی رهنما، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: انتشارات گام نو، ۱۳۸۰.
* ققنوس عصیان (تألیف گروهی با آثاری از سوسن شریعتی، علی رهنما، یرواند آبراهامیان و...)، تهران: انتشارات قصیده‌سرا، ۱۳۸۱.
* طرحی از یک زندگی، پوران شریعت‌رضوی، تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۶.
* از شریعتی، عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴.
* دکتر شریعتی: جستجوگری در مسیر شدن، سید محمد حسینی بهشتی، تهران: انتشارات بقعه.
* تبارشناسی عقلانیت مدرن، محمدامین قانعی‌راد، ویراسته بیژن عبدالکریمی، تهران: انتشارات نقد فرهنگ، ۱۳۸۱.
* از دموکراسی تا مردم‌سالاری دینی: نگرشی بر اندیشه سیاسی شریعتی و زمانه او، صادق زیباکلام، تهران: انتشارات روزنه.
* تقلیدگری و مدرنیته از دیدگاه دکتر شریعتی، وحید قربانی، تهران: انتشارات اخوان، ۱۳۸۴.
* شریعتی، ایدئولوژی، استراتژی، حسن یوسفی اشکوری، تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۷.
* کاربرد آیات قرآن در اندیشه دکتر علی شریعتی، امیر رضایی، تهران: انتشارات الهام، ۱۳۸۷.
* مکتب شریعتی، سیدعباس موسوی، تهران: انتشارات دانش‌بیگی، ۱۳۸۸.
* دکتر علی شریعتی، ناصر نادری، تهران: انتشارات مدرسه.
* شریعتی: راه یا بیراهه، رضا علیجانی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۱.
* شریعتی‌شناسی: اصلاح انقلابی، رضا علیجانی، تهران: انتشارات یادآوران، ۱۳۸۱.
* رند خام، شریعتی‌شناسی: زمانه، زندگی و آرمان‌های شریعتی»، رضا علیجانی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۱.
* شریعتی، متفکر فردا، هاشم آغاجری، تهران: انتشارات ذکر، ۱۳۷۹.
* شریعتی و بازفهمی دین، محمدیاسین دژاکام، تهران: انتشارات ذکر، ۱۳۸۱.
* شریعتی و غرب، رضا علیجانی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۸.
* دکتر علی شریعتی، روح‌الله حسینیان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
* شناس‌نامه یک زندگی: شریعتی به روایت شریعتی، میراحمد باقرزاده ارجمندی، تبریز: مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز: تاریخ معاصر ۱۴، ۱۳۸۴.

# منابع

* وبگاه رسمی دکتر علی شریعتی
* موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
* علیجانی، رضا، رند خام (شریعتی‌شناسی)، تهران، نشر شادگان، ۱۳۸۰.